نگاهی به منابع
فقه اسلام و یهود
با بررسی کتاب عاروخ هَشولحان

نویسندگان:
پروفسور مایکل ج. بروید
دکتر شلومو س. پیل
گردآوری و ترجمه :
دکتر مجید گودرزی

نگاهی به منابع فقه اسلام و یهود با بررسی کتاب عاروخ هشولحان

نویسندگان: پروفسور مایکل ج. بروید، دکتر شلومو س. پیل گردآوری و ترجمه: دکتر مجید گودرزی

نشر مانیان

Setting the Table

پروفسور مایکل ج. بروید

دکتر شلومو س. پیل

فقه در لغت به معنای فهم، علم و زیرکی به کار رفته است و در اصطلاح نیز به معنای علم به احکام جزئی شرعی یا به‌دست‌آوردن و شناخت وظیفهٔ عملی مکلف از منابع و ادلهٔ شرعی است. منابعی را که ازطریق آن می‌توان به احکام شرعی دست یافت ادلهٔ احکام و منابع فقه می‌گویند.

نویسندگان این کتاب، پروفسور مایکل ج. بروید و دکتر شلومو س. پیل، با استناد به کتاب‌های دو تن از فقهای یهود، یعنی خاخام قارو و خاخام اپستاین، به بیان منابع فقهی و سیر تفقه در این دین پرداخته و آن را « «Setting the Tableبه معنای «سفرهٔ مرتب‌شدهٔ احکام» نامیده‌اند و با بهره‌گیری از کتاب خاخام اپستاین، اصول دهگانه‌ای را به‌مثابهٔ منابع استنباط احکام فقهی در دین خود مشخص کرده و به تبیین آن‌ها پرداخته‌اند.

مترجم نیز در ذیل ۸ فصل از کتاب مذکور به بیان منابع چهارگانهٔ فقه اسلامی پرداخته و ضمن تبیین هر یک از آن‌ها به مشکلاتی که علمای شیعه و امامان (ع) در طول زندگی خود برای بیان احکام فقهی داشته‌اند اشارهٔ مختصری کرده است. از نظرگاه مترجم، فقه و عرفان و اجماع و سنت از نظر اسلام شیعی تا آنجا معتبر است که ریشه در فعل، قول و رفتار پیامبر اسلام(ص) و ائمهٔ اطهار (ع) داشته باشد.

نکتهٔ حائز اهمیت دیگر در این کتاب بررسی تطبیقی برخی از این منابع در این دو دین توحیدی است که با هدف رسیدن به وحدت براساس مشترکات و گفت‌وگوی بین ادیان صورت می‌گیرد.

براساس قرآن کریم، باور داشتن به کتاب‌هایی که به پیامبران قبل از حضرت محمد (ص) نازل شده است لازمهٔ ورود در صف متقین و بهره‌مند شدن از هدایت الهی است و طبیعی است که مطالب مندرج در تورات (تحریف‌نشده) مورد تأیید قرآن کریم قرار گرفته است. از سویی دیگر، برخی احکام متفاوت در فقه اسلام و متون تورات دیده می‌شود که به این علت است که قرآن بعد از تورات نازل شده است و طبیعی است که در برگیرندهٔ احکام جدیدتری نیز باشد. ناگفته نماند که نویسندگان این کتاب نیز آن‌چنان به الهی بودن احکام موجود در تورات اصیل اعتقاد دارند که اذعان دارند «هر پیامبری که بعد از حضرت موسی (ع) به نبوت مبعوث شود، مخالفتی با تورات نخواهد داشت».

ISBN:978-622-310-049-9

نگاهی به منابع

فقه اسلام و یهود

با بررسی کتاب *عاروخ هَشولحان*

نویسندگان : پروفسور مایکل ج. بروید و دکتر شلومو س. پیل

گردآوری و ترجمه : دکتر مجید گودرزی

ویرایش علمی : آرش آبائی

طراح جلد : جمال سرور سندان

ناشر : مانیان

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول : ۱۴۰۰

شابک : ۹۷۸_۶۲۲_۳۱۰_۰۴۹_۹

نگاهی به منابع

فقه اسلام و یهود

با بررسی کتاب *عاروخ هَشولحان*

نویسندگان: پروفسور مایکل ج. بروید و دکتر شلومو س. پیل

گردآوری و ترجمه: دکتر مجید گودرزی

ویرایش علمی: آرش آبائی

نشر مانیان

■ تصویر نویسندگان از راست به چپ: پروفسور مایکل ج. بروید و دکتر شلومو س. پیل

فهرست مطالب

مقدمهٔ مترجم ۸

بخش اول: سفرهٔ احکام

فصل اول: شکل‌گیری احکام یهود؛ نظام فقهی یهود از گذشته تا حال ۱۲
دو مدل تدوین احکام یهود ۲۶
الف – مدل موسوم به «سفارادی» ۲۶
ب – مدل موسوم به «توسافوت» ۲۸
تهیهٔ سفرهٔ آماده: خاخام یوسف قارو (کارو) نویسندهٔ کتاب شولحان عاروخ ۳۱
کنار گذاشتن سفرهٔ احکام مرتب‌شدهٔ قبلی با به صحنه آمدن حاشیه‌نویسان جدید ۳۴
نتیجه‌گیری: سفرهٔ به‌هم‌ریخته (بی‌نظمی تدوین احکام) ۳۹
پیوست فصل اول: جهاد فقیهان ۵۴
الف) تعریف قانون و ارتباط آن با فقه ۵۴
ب) شریعت ۵۵
فصل دوم: کتاب عاروخ هَشولحان نوشتهٔ خاخام یخیئِل میخِل اپستاین ۶۳
مقدمه ۶۳
زندگی و زمانهٔ زندگی خاخام یخیئِل میخِل اپستاین ۶۵
عاروخ هَشولحان: سفرهٔ آراسته‌شدهٔ احکام ۶۸
فصل سوم: دو (مدل) نگرش در تدوین مبانی فقه یهود در کتاب‌های عاروخ هَشولحان و میشنا بورا ۷۸
۱. استفاده از تِفیلین در ایام میانی عید «حُول هَمُوعِد» روزهای غیر تعطیل و میانی اعیاد: ۸۶
۲. نماز خواندن در حضور زنان متأهلی است که با موهای باز به کنیسه می‌آیند. ۹۰
۳. حداقل اندازه برای طَلیت (همراه با صیصیت) ۹۲
۴. تأیید سنت ساخت عِروِوین (منطقهٔ مجاز شرعی) عمومی در سراسر شهر ۹۵
نتیجه‌گیری ۱۰۲

بخش دوم: مقدمهٔ اصول (متدولوژی) روش‌شناسی کتاب عاروخ هَشولحان

مقدمه ۱۱۰
اصول استاندارد ایدئال برای تعیین هَلاخای صحیح ۱۱۷

۱. دینا دِتلمود: متعارف بودن معیارهای تلمودی ۱۱۷
۲. تواضع فکری در برابر معلمان و همکاران ۱۱۸
۳. تکیه بر سابقه‌ای که یک مسئله در زمان گذشته داشته (و نظریاتی که خاخام‌های قدیم در مورد مسئلهٔ مورد شک ارائه کرده‌اند) ۱۱۸
۴. استفاده از قوانین ثانویه برای حل شبهات ۱۱۹
۵. ارتباط بین نظرات غیرعادی هَلاخایی ۱۱۹
۶. رفتار دینی سخت‌گیرانه ۱۱۹
۷. هَلاخا و عرفان ۱۲۰
۸. نقش عرف در تعیین هَلاخا ۱۲۰
۹. به‌روزرسانی منطقی قواعد هَلاخا ۱۲۰
۱۰. پراگماتیسم دنیای واقعی: تورات به فرشتگان خدمت‌کننده داده نشد بلکه برای اجرا شدن توسط انسان نازل شده است. ۱۲۰
فصل چهارم: نقش تلمود ۱۲۵
پیوست فصل چهارم: نور هدایتگر ۱۴۳
نتیجه‌گیری ۱۵۰
فصل پنجم: اجماع خاخامی ۱۵۲
پیوست فصل پنجم: اجماع مذموم ۱۶۸
الف) اجماع از نظر شیعه ۱۷۲
ب) اجماع در بین اهل سنت ۱۷۳
فصل ششم: حل کردن موارد مشکوک ۱۷۸
فصل هفتم: نظرات غیرمتعارف ۲۱۰
فصل هشتم: رفتار مذهبی فراتر از شرع (نافله) ۲۳۵
پیوست فصل هشتم: کارایی احکام ثانویه ۲۵۳
نتیجه‌گیری ۲۵۸
فصل نهم: فقه و عرفان ۲۶۰
پیوست فصل نهم: تلاقی فقه و عرفان ۲۷۴
فصل دهم: فقه و عرف ۲۸۳
پیوست فصل دهم: سنت متعالی ۳۱۰
سنت انفرادی ۳۱۵
احکام نذر ۳۱۹
احکام سوگند خوردن ۳۲۱
احکام حرام مساجد ۳۲۳
احکام مستحب مساجد ۳۲۵

نتیجه‌گیری ۳۲۶
فصل یازدهم: انطباق منطقی احکام هَلاخایی با وضعیت حاضر ۳۲۹
پیوست فصل یازدهم: پویایی فقه ۳۴۷
نقش زمان و مکان در اجتهاد ۳۴۷
الف) زمان حیات پیامبر اسلام (ص) ۳۴۷
ب) زمان اهل‌بیت (ع) ۳۴۷
ج) زمان غیبت کبری ۳۴۷
فصل دوازدهم: فقه و عمل‌گرایی ۳۵۳
الف- موضوعات پیرامون خواندن نماز شِمَع ۳۵۸
ب- موضوع نماز خواندن و آلوده بودن مقعد به مدفوع ۳۵۸
ج- موضوع سوءاستفاده از وسایل وقف‌شده برای معبد ۳۵۹
د – موضوع استفاده از مصالح ساختمانی تقدس‌نشده برای ساختن معبد ۳۶۰
نتیجه‌گیری ۳۷۷
پیوست فصل دوازدهم: فرشته‌ها و عقل ۳۸۵
الف) فرشتگان و ساختار آن‌ها از دیدگاه اسلام ۳۸۵
ب) عقل به‌عنوان یکی از منابع استنباط احکام در اسلام ۳۸۹

مقدمهٔ مترجم

انسان برای بهتر زندگی کردن نیازمند دستورالعمل خاص و برنامه‌ریزی دقیقی است که از پشتوانهٔ عقل برخوردار باشد و در صحنهٔ عمل نیز کارایی مفید داشته باشد، شناخت انسان از خود و طبیعت پیرامونش ابزار و لوازمی می‌طلبد که باید در نظر گرفته شود.

بر اساس ابزار شناخت، جهان‌بینی اشخاص شکل می‌گیرد و مکاتب گوناگون پدید می‌آید، که همهٔ آن‌ها را می‌توان در دو دستهٔ کلی با جهان‌بینی مادی و الهی تقسیم‌بندی کرد. حواس پنجگانه ابزارهای شناخت مشترک این دو مکتب است، اما آنچه آن‌ها را از هم متمایز می‌سازد اهمیت دادن به ابزار دیگری است که در ادبیات دینی از آن تحت عنوان «دل، قلب به معنای ابزار مرتبط با نیروی ماوراءالطبیعه» نام برده می‌شود و در قرآن کریم در سورهٔ نحل آیهٔ ۷۸ به آن چنین اشاره شده است:

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و خدا شما را از بطن مادران بیرون آورد درحالی‌که هیچ نمی‌دانستید و به شما گوش و چشم و قلب اعطا کرد تا مگر (دانا شوید و) شکر (این نعمت‌ها) به جای آرید.

هر کدام از این دو مکاتب مدعی ساختن آینده‌ای بهتر توأم با امنیت و آرامش برای بشر بوده و در طول تاریخ با یکدیگر دچار چالش‌های متعددی در سطوح مختلف بوده‌اند. مادیون با اتکا به ابزار شناخت خود که حواس پنجگانه باشد منکر وجود هرگونه نیروی ماوراءالطبیعه و دخالت آن در پیدایش جهان هستی شده و پیدایش را ناشی از تصادف دانسته و خلقت انسان را نیز معلول تکامل تک‌سلولی قلمداد کرده‌اند که در این عرصه‌ها دانشمندان بسیاری به دفاع از این نظریه اقدام کرده‌اند. در مقابل، الهیون جهان را حادث دانسته و با ارائهٔ دلایل فراوانی از جمله برهان نظم مدعی شده‌اند که جهان را خالقی حکیم بنا کرده و انسان نیز مخلوقی است که به شکل کنونی و به‌صورت دفعی خلق شده است. این دیدگاه انسان و جهان را منظم و یکپارچه و مرتبط با یکدیگر دانسته و حیات را صرفاً مختص زندگی در این جهان مادی ندانسته‌اند و برای آن پایانی مقررشده می‌داند و برخلاف مادیون معتقد است که همهٔ آنچه که به فیزیک و ماده برمی‌گردد حتی اگر از حالتی به حالت دیگر تبدیل شود، در نهایت نابود می‌شود و به بقای آنچه که از آن به وجه‌الله نام برده می‌شود و انسان نیز در آن دامنه تعریف می‌شود باور دارد.

وجه متمایز دیگر این دو مکتب در لزوم هدایت جامعه است که یکی معتقد است نیازی به هدایت نیست و پدیده‌ها به‌دلیل جبر حاکم بر آن‌ها و در تضاد تر با آنتی‌تز (نبرد هر چیز با ضد خود) و تولید آنتی‌تز به مرحلهٔ جدید قدم می‌گذارد و در مقابل الهیون معتقدند که خداوند جهان هستی و از جمله انسان را بدون رهبری و هدایت به‌سوی هدفی خاص رها نکرده است. و به شرح هدایت تکوینی و تشریعی باور دارد که بیان آن از حوصلهٔ این نوشتار خارج است. قرآن کریم به‌وضوح در خصوص هدایت جهان هستی در سورهٔ طه آیات ۴۹ و ۵۰ می‌فرماید:

قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَىٰ، قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ،

فرعون از حضرت موسی (ع) سؤال کرد خدای تو کیست و او در پاسخ فرمود: خدای ما آن کسی است که همهٔ موجودات عالم را نعمت وجود خاص خودش بخشیده و سپس (به راه کمالش) هدایت کرده است.

و در خصوص خلقت انسان نیز باور دارد که برای معنا پیدا کردن خلقت او و هدف غایی از این خلقت انسان علاوه‌بر پیامبر درونی که همانا قوهٔ عقل (برای تجزیه‌وتحلیل و شناخت پیرامون خود و رسیدن به سعادت و امنیت و آرامش) نیاز به هدایتگران و پیامبرانی که علم و اطلاع کامل از جهان هستی نیز دارد که خداوند خالق از باب لطف خود اقدام به انتخاب بهترین اشخاص که مصون از گناه و اشتباه باشند و از جانب او هدایت شوند نیز نموده است. آیهٔ ۲۵ در سورهٔ حدید یکی از مستندات تأیید بحث ارسال پیامبران با دستورالعمل خاص با هدف برپایی عدالت که پایه و اساس هر نوع سعادت و امنیت و آرامش است. بر اساس این آیه از جانب خداوند تبارک و تعالی عنوان شده است که:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ

همانا ما پیامبران خود را با ادلّه و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند.

بر اساس متون دینی ریشهٔ تمامی ادیان الهی واحد است و بر سه اصل توحید و نبوت و معاد استوار است، لذا هیچ پیامبری برای ابطال این سه اصل نیامده است و شاید منظور مؤلف کتاب، آقای پروفسور بروید، که در فصل دوازدهم کتابش معتقد است پیامبری که بعد از حضرت موسی (ع) می‌آید تورات را نقض نمی‌کند همین باشد.

اگر ختم نبوت و اکمال دین را امری منطقی و معقول و لازم بدانیم که به اعتقاد ما مسلمانان با نبوت حضرت محمد مصطفی (ص) پایان یافته است، اما با توجه به نیاز انسان به هدایت و یافتن مسیر در همهٔ نسل‌ها و عصرهای بعد از پیامبر نازنین اسلام (ص) اگر هدایت خاصه توسط افرادی که از هر لحاظ در رفتار و گفتار مانند ایشان نباشند ادامه پیدا نکند، فلسفهٔ خلقت و هدایت و تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان ابتر مانده و اصولاً از حکمت الهی به دور است که هدایت انسان در جایی متوقف شود که البته این منطق استدلال دینی نیز دارد. در این خصوص در سورهٔ رعد آیهٔ ۷ آمده است:

إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

تنها وظیفهٔ تو اندرز و ترسانیدن (خلق از نافرمانی خدا) است و هر قومی را (از طرف خدا) رهنمایی است.

با وجود همهٔ مشترکاتی که ادیان و مذاهب الهی دارند اما در ضرورت وجود رهبریتی عادل، معصوم و مصون از گناه و اشتباه برای هدایت مردم بعد از پیامبر اسلام (ص) با هم وحدت‌نظر ندارند و این تنها مکتب شیعه است که همچنان بر امامت و هدایت تمامی بشر به‌صورت عام و هدایت مسلمانان به‌صورت خاص اصرار دارد و حتی مشخصات کامل این امامان را ذکر کرده است.

همان‌گونه که گفته شد ریشهٔ همهٔ ادیان الهی و ابراهیمی یکی است و مسلمانان متقی مکلف و موظف‌اند که علاوه‌بر ایمان داشتن به غیب به‌عنوان نیروی غیرمادی و یقین داشتن به اینکه زندگی پس از مرگی نیز وجود دارد لازم است تا همان‌گونه که به تعالیم قرآن کریم که از جانب خداوند سبحان به حضرت محمد (ص) ایمان دارند به همهٔ تعالیمی که منشأ الهی دارند و به پیامبران قبلی مانند حضرت نوح (ع)، حضرت ابراهیم (ع)، و حضرت موسی (ع) نیز ایمان داشته باشند. که در سورهٔ فاتحةالکتاب در قرآن مجید به صراحت آمده است.

ذکر این نکته ضروری است که همهٔ پیامبران طبق دستور الهی پیروان خود را از کشتن انسان‌های بی‌گناه منع کرده‌اند و لذا پیروان هر دینی مرتکب قتل انسان‌های بی‌گناه شوند قطعاً خارج از آن دین تلقی می‌شوند و مستحق مجازات هستند.

اما در خصوص ترجمهٔ این کتاب باید گفت، صرفاً به‌دلیل ضرورت ایمان مسلمانان به آنچه که بر پیامبران قبل از حضرت محمد (ص) نازل شده است اقدام به ترجمهٔ این کتاب شده است. این کتاب در ابتدا به بیان منابعی که برای استخراج احکام دینی یهود (هلاخا) از آن استفاده شده می‌پردازد و سپس به کتاب‌هایی که برای تدوین احکام نوشته شده است اشاره می‌کند و در نهایت تدوینگر اصلی احکام یهود را خاخام یوسف قارو دانسته که این احکام را در چهار دسته تقسیم‌بندی کرده و آن را در قالب کتابی تحت عنوان شولحان عاروخ به رشتهٔ تحریر در آورده است. نویسنده معتقد است که این امر دستیابی یهودیان به احکام دینی را بسیار آسان نموده به‌نحوی‌که مانند خاخام قارو معتقد است این اقدام او همانند مرتب کردن یک سفرهٔ پهن‌شده و تزیین‌شده از احکام یهود است که ترجمهٔ نام عبری شولحان عاروخ نیز بیانگر همین معناست.

در بخش دیگری از کتاب نویسنده نگرانی خود را از درهم‌ریختگی این سفرهٔ آماده‌شده بیان داشته و علت آن را وجود نظرات اندیشمندان دیگر یهودی دانسته که در خصوص این کتاب تفاسیر و برداشت‌های ایشان دانسته است. و در نهایت به بیان اصول متدولوژی که یکی دیگر از فقهای یهود به نام خاخام میکاییل اپستاین برای آراسته کردن مجدد سفرهٔ احکام یهود به کار برده است پرداخته است. با بررسی این اصول مشاهده می‌شود که برخی از آن‌ها شبیه به قواعد و اصولی است که فقهای اسلام از آن‌ها برای استخراج احکام استفاده کرده‌اند که مترجم در خصوص برخی از آن‌ها و در پایان هر فصل (با عنوان پیوست) نکاتی را با اتکا به منابع اسلامی و بهره‌مندی از نظرات فقهای بزرگوار اسلام آورده است تا مورد استفادهٔ یهودیان و مسلمانان فارسی‌زبان قرار گیرد.

بدیهی است این ترجمه اولین اقدام مشترک در راستای تقریب ادیان است و امید است در آینده مقالات متعددی در خصوص مسائل اساسی مانند عصمت انبیا، ضرورت امامت، مشترکات اسلام و یهود و... به رشتهٔ تحریر درآید.

مجید گودرزی

بخش اول: سفرهٔ احکام